

کاربست منظر جورجیو وازاری در معماری رنسانس نمونه مطالعاتی: Loggia del Pesce

فاطمه الماسی*: دانشجوی دکترای معماری، گروه معماری، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

f.almasi@std.iaushk.ac.ir

شهرام تقی‌پور: استادیار، گروه معماری، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران

sh_de52@yahoo.com

چکیده

دوره رنسانس از دوره‌های مهم تاریخ هنر و معماری است که به انسان توجه ویژه‌ای شده است و تکنیک‌های مهمی در آن ابداع گردیده است. پرسپکتیو از جمله تکنیک‌هایی است که به کار رفته است. در این دوران Disegno نیز مطرح می‌شود که نشأت گرفته از عقل است و منجر به خلق ایده‌های نو می‌شود. همه این موارد به علت توجه به انسان و عقل او امکان یافته است. یکی از افراد برجسته این دوران جورجیو وازاری می‌باشد. او در این دوران علاوه بر تالیف کتاب تاریخ هنر که تاثیر جهانی به همراه داشت، به مراحل توسعه هنر می‌پردازد. از منظر وازاری دست یافتن به هنر و معماری برتر با رعایت مجموعه‌ای از ویژگی‌ها در کنار خلاقیت امکان‌پذیر خواهد بود. مطالعات پیشین در این زمینه به‌خصوص به زبان فارسی بسیار کم است. لذا خلا تحقیقاتی موجود مشهود است، چراکه جورجیو وازاری پدر تاریخ هنر نامیده می‌شود و از اولین افرادی بود که واژه رنسانس و Disegno را در متن نوشتاری به کار برد. از این رو این پژوهش بر آنست به تعریف Disegno و بررسی معماری برتر از منظر جورجیو وازاری بپردازد. سوالات مطرح شده بدین شرح است: تعریف Disegno در معماری چیست؟ قوانین معماری برتر از منظر جورجیو وازاری کدام هستند؟ روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی است. با مطالعات کتابخانه‌ای، اسنادی داده‌ها جمع‌آوری شده‌اند. به این منظور پس از تبیین مبانی نظری، اصول معماری برتر از منظر وازاری تهیه شد و این اصول در نمونه‌ی مطالعاتی مورد نظر بررسی گردید. در نهایت با توجه به تحلیل‌های انجام شده پیشنهاداتی در جهت استفاده از نظرات وازاری به منظور دست یافتن به معماری برتر ارائه گردید.

واژه‌های کلیدی: رنسانس، جورجیو وازاری، مراحل توسعه هنر، قوانین معماری، Disegno.

مقدمه

مروری بر تاریخ غرب از سده های میانه تا عصر حاضر نشان دهنده آن است که دوره رنسانس در سیر تحول تمدن و تفکر مغرب زمین و از جمله در فلسفه این دیار، نقشی سرنوشت ساز داشته است؛ چرا که تحولات چند جانبه ای که در حوزه عمل و اندیشه انسان غربی پدید آمد تحولاتی مبنایی و در نوع نگاه او به انسان و جهان بود (Vasoli, 2000: 73). می توان بیان داشت که جورجیو دی آنتونیو وزاری اولین تاریخنگار هنر است و جزء اولین افرادی است که واژه رنسانس را به کار برد. از نظر بسیاری از منتقدین در کتاب زندگی هنرمندان، نگاهی تکاملی به هنر دارد و بالاترین مرحله آن، آثار همعصران او، رافائل و میکلا آنژ است (موسوی اقدم، ۱۳۹۶: ۱۵۴). وزاری، در کتابش بیان می دارد: «به اعتقاد من نقاشی و مجسمه سازی دو خواهر هستند که از پدری خلق شده اند که آن پدر همانا طراحی می باشد. این تولد از یک وجود و در یک زمان به انجام رسیده است. به بیان دیگر این دو یک روح هستند که در دو کالبد حلول کرده اند و اشتباه بزرگی است که اگر احیانا کسی در صدد جدا کردن و تفکیک این دو از یکدیگر باشد».

وزاری معماری را جزء جهانی ترین، ضروری و مفیدترین هنرهای بشری می داند که نقاشی و مجسمه سازی برای آن استفاده می شوند (Payane, 2011). برای معماری و هنر برتر ویژگی هایی برشمرده است. از منظر او با رعایت قانون، نظم، تناسب، طراحی و سبک می توان حس زیبایی و لذت برای بیننده را فراهم آورد. Disegno به معنی طراحی دارای ریشه در دوره رنسانس ایتالیاست که وزاری آن را فراتر از ترسیمات خارجی اشیاء می داند. Disegno یک فرآیند شکلگیری خلاقانه است که وظیفه تبدیل ایده های قابل فهم برای ورود به دنیای مادی را دارد. به عبارتی پیوند دهنده میان ایده و فرم است (Faroughi, et al, 2012: 1969). بر اساس نظریه فرم افلاطون در دوره رنسانس، ایده همان ذات اشیا می باشد به عبارتی روح و تصور درونی یک شیء است (Cennini, 1400). مطالعات پیشین کمتر به طور خاص به جورجیو وزاری و معماری رنسانس پرداخته است لذا این ضرورت احساس گردید که در این پژوهش به مطالعه معماری دوره رنسانس و اصول معماری و هنر از منظر جورجیو وزاری و تعریف Disegno پرداخته شود تا بتوان از آن در جهت ارتقا طرح های معماری بهره جست. جورجیو وزاری علاوه بر تعریف Disegno، اصولی را برای معماری برتر عنوان نموده است، لذا این پژوهش بر آن است تا این اصول را مورد بررسی قرار دهد و مواردی را برای دست یافتن به معماری عالی ارائه نماید. پرسش مطرح شده برای این پژوهش بدین شرح است: تعریف Disegno در معماری چیست؟ قوانین معماری برتر از منظر جورجیو وزاری کدام هستند؟ به منظور پاسخ گویی به این سوال، این پیش فرض مدنظر قرار گرفته است که به نظر می رسد اصول هنر و معماری برتر از منظر وزاری می تواند برای خلق آثار برتر در معماری دوران معاصر موثر واقع شود. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است که از طریق مطالعات کتابخانه ای و استنادی به تبیین مبانی نظری پرداخته شده است. لذا پس از تبیین چارچوب نظری، اصول معماری برتر از منظر وزاری تدوین گردید و loggia del pesce به عنوان نمونه مطالعاتی در نظر گرفته شد و به تحلیل این بنای رنسانسی با توجه به اصول مطرح شده، پرداخته شد. در نهایت پیشنهاداتی به منظور بهره گیری از این اصول در جهت دست یافتن به معماری برتر ارائه شد.

مبانی نظری

به منظور بررسی پیشینه تحقیق به مطالعه در مورد معماری رنسانس و جورجیو وزاری و همچنین مفهوم Disegno پرداخته شده است. در مقاله Faroughi, et al (2012: 1968) اشاره کرده است که کتاب De Architectura libri decem اثر مارکوس ویتروویوس (۲۲ پیش از میلاد) از قدیمیترین کتاب معماری باقیمانده از دوران کلاسیک باستان است که به طور قابل توجهی بر تفکر رنسانس (Tatarkiewicz, 2005) همچنین بر مفهوم طراحی تأثیر گذاشت. کتاب il libro dell'arte اثر سننی (۱۹۶۵) از اولین کتب تئوری هنر در تاریخ است که به عنوان کتابچه راهنمای هنرمندان ترجمه میشود. او معتقد است Disegno اساس همه آموزشهای هنری می باشد. کتاب 'De Pictura / Della pittura' از آلبرتی (۱۹۶۷) بر هنر رنسانس، بالاخص بر روش ترسیم پرسپکتیو تأثیر بسیار داشت. برای مفهوم Disegno شرح مشخصات او به عنوان نقاش بسیار مهم بود. اولین کتاب مرجع معماری دوره رنسانس با عنوان De re aedificatoria توسط آلبرتی (۱۹۸۸) نوشته شد. از منابع اصلی معماری بعد از کتاب ویتروویوس، با اختلاف ۱۵۰۰ سال می باشد. از نظر آلبرتی ترسیم و طراحی مفهوم اصلی ابداع ایده معماری بود. کتاب Trattato di Architettura اثر فیلاترته-آورلینو (۱۴۶۴) جزو اولین کتب معماری به زبان ایتالیایی است که در آن به طراحی یک شهر خیالی و ایده ها پرداخته است از این رو، او به عنوان اولین طراح خیال پرداز شناخته شده است. در کتاب زندگی هنرمندان اثر جورجیو وزاری (۱۹۶۰)، نظریه Disegno شرح داده شد و وزاری به عنوان اولین مورخ هنر ایتالیایی شناخته میشود. هم چنین او از اعضای بنیانگذار اولین آکادمی هنر طراحی بود و واژه رنسانس را ابداع نمود. در مقاله باز اندیشی طراحی از رنسانس تا معماری طراحی استراتژیک اثر (Faroughi, et al, 2012) به منظور ایجاد یک سیستم طراحی کلی به مفهوم اصلی طراحی پرداخته است و در نهایت مفهوم معماری طراحی استراتژیک را به منظور مدیریت فعالیتهای طراحی پیچیده فعلی معرفی کرده است. اولین کتاب وزاری، ترجمه شده به زبان انگلیسی کتاب Vasari on Technique (2011) است که دوره رنسانس را با حسی واقعی به تصویر کشیده است. در مقاله Tuchkov (2016) به ارتباط دوره رنسانس با جورجیو وزاری میپردازد. کردنوگانی و سلمانی (۱۳۹۸)، اصطلاح هنرهای طراحی که وزاری آن را مطرح نمود را بررسی کرده اند. رحیمی (۱۳۹۷) به تحلیل کتاب زندگی هنرمندان در قیاس با گلستان هنر قلمی پرداخته است. جهانی نسب (۱۳۹۷) به نقش رنسانس در اروپا بررسی نموده است.

جدول ۱- مروری بر پژوهش های انجام شده در معماری رنسانس و جورجیو وزاری، نگارنده برگرفته از (Faroughi, et al, 2012)، (Tatarkiewicz, 2005)، (Tuchkov, 2016)،

(کردنوگانی و سلمانی، ۱۳۹۸)، (رحیمی، ۱۳۹۷)، (جهانی نسب، ۱۳۹۷).

عنوان مقاله/کتاب	مؤلف	سال	توضیحات
De Architectura libri decem	Marcus Vitruvius Pollio	۲۲ پیش از میلاد	قدیمی ترین آثار باقیمانده دوران کلاسیک باستان که بر تفکر دوران رنسانس و مفهوم طراحی تأثیر قابل توجهی داشته است.
il libro dell'arte	Cennini	۱۴۰۰	از اولین کتب تئوری هنر در تاریخ است که در آن سننی، Disegno را اساس همه آموزش های هنری معرفی می کند.

این کتاب بر هنر رنسانس و متد ترسیم پرسپکتیو موثر بود. هم‌چنین برای مفهوم Disegno و شرح مشخصات نقاش بسیار مهم بود.	۱۴۳۵	Alberti	Della pittura
با اختلاف ۱۵۰۰ سال، از منابع اصلی معماری بعد از کتاب ویتروویوس می‌باشد. از نظر آلبرتی ترسیم و طراحی مفهوم اصلی ابداع ایده معماری بود.	۱۴۵۲	Alberti	De re aedificatoria
اولین کتاب معماری به زبان ایتالیایی است که در آن به طراحی یک شهر خیالی و ایده‌آل پرداخته شده است و فیلاتره از اولین طراحان خیال‌پرداز است.	۱۴۶۴	Filarete (Antonio Averlino)	Trattato di Architettura
وازاری به عنوان اولین مورخ هنر ایتالیایی شناخته می‌شود. او بنیانگذار اولین آکادمی هنر طراحی بود و به مفهوم Disegno و واژه جدید رنسانس پرداخته است.	۱۵۶۸	Giorgio Vasari	Le vite dei più eccellenti architetti, pittori et scultori italiani'
به منظور ایجاد یک سیستم طراحی کلی به مفهوم اصلی طراحی پرداخته است و در نهایت مفهوم معماری طراحی استراتژیک را به منظور مدیریت فعالیت‌های طراحی پیچیده فعلی معرفی کرده است.	۲۰۱۲	A. Faroughi and R. Faroughi	Design re-thinking: from Italian Renaissance to Strategic Design Architecture
این کتاب برای اولین بار، کتاب جورجیو وازاری که در مورد تکنیک و مقدمه‌ای بر سه هنر طراحی و معماری، مجسمه‌سازی و نقاشی و بیان‌گر زندگی بهترین هنرمندان است را به انگلیسی ترجمه کرده است. دوره رنسانس را با حسی واقعی به تصویر کشیده است.	۲۰۱۱	مترجم: LOUISA S. MACLEHOSE	Vasari on Technique (Dover Art Instruction)
دوره رنسانس با جورجیو وازاری دارای ارتباط تنگاتنگ است. به ماهیت مکانیکال موجود در طرح گالری اوفیزی می‌پردازد که از آثار معماری وازاری در دوره رنسانس است.	۲۰۱۶	Ivan Tuchkov	Giorgio Vasari and the Architecture of Cinquecento: The End of the Renaissance.
به بررسی نظام هنرهای زیبا پرداخته است هم‌چنین تفاوت آن با هنر و صنعت را بیان نموده است. اصطلاح هنرهای طراحی که وازاری آن را بیان نمود و تبدیل آن به آکادمی طراحی و کتاب ارزشمند او را نیز عنوان کرده است.	۱۳۹۸	مهدی کرد نوغانی، علی سلمانی	دو روایت از تکوین مفهوم هنرهای زیبا: ارزیابی مجدد روایت کریستلر
به کشف فلسفه تاریخ هنر قاضی احمد قمی و جورجیو وازاری از طریق بررسی و تحلیل آثار آنان؛ گلستان هنر و زندگی هنرمندان پرداخته است. این پژوهش در تلاش برای گشودن چشم اندازی نو در مطالعات تاریخی هنر بوده است.	۱۳۹۷	حنیف رحیمی پردنجانی	دو نگرش به تاریخ هنر: مطالعه تطبیقی فلسفه تاریخ هنر قاضی احمد قمی و جورجیو وازاری در «گلستان هنر» و «زندگی هنرمندان»
مطالعه و بررسی نقش رنسانس و پیامدهای آن در جهت رشد و پیشرفت اروپا است. رنسانس و رفرماسیون دو مرحله عظیم تاریخ، که باعث تغییر شکل اروپای قرون وسطی و تبدیل آن به اروپای جدید بود. منجر به رهنمون ساختن ما به دنیای مدرن بود و دایره علم و دانش را گسترده‌تر ساخته است.	۱۳۹۶	احمد جهانی‌نسب	نقش رنسانس بر تاریخ اروپا و پیامدهای آن

تحقیقات بسیار کمی بالاخص به زبان فارسی در رابطه با جورجیو وازاری و دیدگاه او در معماری پرداخته شده است. همانطور که در پیشینه تحقیق آورده شده است سه مقاله مرتبط با وازاری و دوره رنسانس است که هیچ کدام مستقیماً به جورجیو وازاری نپرداخته اند لذا این پژوهش بر آن است تا با بررسی معماری و هنر از منظر جورجیو وازاری یکی از آثارش را با ویژگی‌های بیان شده برای هنر برتر، مورد تحلیل قرار می‌دهد.

دوره رنسانس

واژه renaissance در فرهنگ لغت فارسی به نوزایی، تولد جدید و تجدید حیات معنا شده است. در مریام وبستر به دوره‌ای از تاریخ اروپا بین قرن ۱۴-۱۷ گفته می‌شود زمانی که علاقه جدیدی به علم و هنر و ادبیات باستان به ویژه در ایتالیا پیدا شد. در این دوره انسان‌گرایی کلاسیک احیا گردید.

در آغاز قرن چهاردهم میلادی، عصر میانی یا قرون وسطی که از زمان سقوط روم حدود هزار سال طول کشیده بود، رو به پایان بود و رنسانس، یکی از بزرگ‌ترین جنبش‌های فرهنگی تاریخ، به تدریج جایگزینش می‌شد. رنسانس در سال‌های ۱۳۰۰ از ایتالیا آغاز شد و در عرض سه قرن در سراسر اروپا انتشار یافت. به ندرت در دوره‌ای چنین کوتاه از نظر تاریخی، رخدادهای متعددی به وقوع می‌پیوندد، حال آن که این قرن‌ها سرشار از تغییرات اساسی و فعالیت‌های بزرگ است. جهان امروزی زاینده همین فعالیت‌هاست، زیرا رنسانس پایه‌های اقتصادی، سیاسی، هنری و علمی تمدن‌های کنونی غرب را بنا نهاد (کوریک، ۱۳۹۸). درباره معنای اصطلاحی رنسانس تعبیرهای گوناگونی وجود دارد که به رغم برخی اشتراک‌ها دارای نکات افتراق هم هستند (رحمتی، ۱۳۸۸: ۲۶۳). ریشه‌های رنسانس از قرون وسطی نشات گرفته است اما رنسانس فرهنگ روم و یونان باستان را از نو تجدید نمود به همین دلیل در زبان فرانسه آن را رنسانس یا نوزایی نامیدند. تغییر روش به رنسانس در قرون وسطا به علت جوابگو نبودن نظام فئودالی با مطالبات مردم بود.

رنسانس مانند هر واقعه تاریخی مهم، دارای دستاوردها و پیامدهایی است که مجموعه‌ای از آنها را می‌توان عصر شکوفایی تاریخی در اروپا به حساب آورد. هر یک از این دستاوردها و نتایج، به تنهایی در روند تاریخی رنسانس تأثیرگذار بوده‌اند که نه تنها معلول رنسانس بلکه علت رنسانس بوده‌اند (جهانی‌نسب، ۱۳۹۶: ۱۰). در دوره رنسانس انسان‌دوستی و به تعبیر دقیق‌تر، انسان‌محوری، در حیات فرهنگی غرب وارد شد و با مادی ساختن نگرش‌های آدمیان آنان را تشویق کرد که زیبایی را در طبیعت بیچونند به‌لرزه در تصاویر مقدس (رحمتی، ۱۳۸۸: ۲۶۳). در طول رنسانس، بشر محور همه چیز قرار گرفت. رنسانس مظهر جدی‌ترین تلاش‌های هنرمندان برای تفسیر عالم بر اساس معیار بشر بود. اندیشمندان رنسانس بر این باور بودند که تمام خلقت حول محور انسان و آینه اوست و طبیعت می‌تواند تحت اختیار بشر قرار گیرد، هنر ابزار حاکمیت انسان بود که در آن پدیده‌های ظاهری می‌توانست بر اساس قواعد و نسبت‌های بشری تفسیر گردد. مورد بررسی قرار گیرد و نشان داده شود. در دوران رنسانس هنرمند به معنای واقعی خالق اثر شد و در این دوره بود که هنرمند به وسیله اثر هنری قابل شناسایی گردید. در این زمان هنرمند به جای تقلید از طبیعت مطابق اصول آفریده‌ی ذهنی خود به شناخت آن می‌پردازد (بانی‌مسعود، ۱۳۴۶: ۱۶۴). معماری این دوره انسان محور بود و از طرفی هنرمندان و مجسمه‌سازان شاهکارهایی از رنگ و سنگ اثر خلاقانه به‌وجود آوردند. عصر اومانیزم، توجه به احساسات و روح انسانی و ارزش نهادن به تفکرات انسانی آغاز شد. این آغاز یک تمدن جدید را بر اروپا رغم زد و اروپای حال حاضر تفکرات اندیشه خود را مدیون دوران نوزایی یا رنسانس می‌باشد. دوره رنسانس دوره فیلسوفان بود و هنرمندان آزادی اندیشه داشتند (پهرو، طاهری، ۲۰۱۵: ۱). فهم فلسفه امروز غرب نیز بدون شناخت اندیشه‌های فلسفی و غیر فلسفی دوره رنسانس، کامل نخواهد بود (رحمتی، ۱۳۸۸: ۲۶۴).

نخستین بار جورجیو وازاری در زندگی‌نامه هنرمندان اصطلاح ایتالیایی *Rinascita*، که اصطلاح رنسانس تغییر یافته آن است، را برای مفهوم دوره‌ای تاریخی به کار برده است و تاریخ تولد دوباره هنرها را که به عقیده او بازگشت به طبیعت و توجه به دوران باستان است، وسط قرن سیزدهم می‌داند و این تاریخ را همچون نقطه عطف قاطع در تحول تاریخ هنر می‌فهمد (بوک، ۱۳۸۱: ۱۶). در دوره رنسانس، خلاقیت در دانش، هنر، حکومت و اقتصاد بارز بود. رابرت ارگانگ، مورخ، می‌نویسد: «دوره رنسانس یکی از خلاق‌ترین دوران‌های تاریخ است... رنسانس به تلاش عقلانی جهت تازه‌ای بخشید... تا آن‌را به سوی تمدن امروزی هدایت کند.» (کوریگ، ۱۳۹۸).

جورجیو وازاری، هنر و معماری

جورجیو وازاری پدر تاریخ هنر نامیده می‌شود که مبتکر ایده نگارش تاریخ هنر در جهان و از تأثیرگذارترین چهره‌ها است و با کتاب زندگی هنرمندان رنسانس در ایتالیا بر مبدا هنر تأکید می‌کند. ابتدا به طراحی و معماری سپس به نقاشی و مجسمه‌سازی می‌پردازد. او بدین اشاره می‌کند که مبدع قلم‌مو و رنگ، یونانی‌ها بودند. هنرمند از نظر وازاری یک متفکر است که باید دانش به‌روز داشته باشد، از طرفی وازاری، تاریخ را پراهمیت برمی‌شمارد و به مطالعه و تالیف آن می‌پردازد و دارای نگرشی مدرن است. او مجسمه‌سازی را از هنرهای مشکل می‌داند که آثارشان دارای روح هستند و مجسمه‌سازی و نقاشی را دارای ارتباط نزدیک باهم می‌داند (نگارندگان). وازاری به درستی دریافته بود که نخستین و بزرگترین تعهد هنرشناسان نمایاندن تفاوت‌های پنهان میان آثار خوب و بد است. لذا نویسندگان تاریخ هنر باید آثار هنری را از یک‌طرف به اهداف و مقاصد هنرمند، از طرف دیگر به سنت‌های هنری مسلط بر دورانی که در آن هستی یافته و پدیدار شده‌اند، پیوند دهند. توصیه وازاری برای ارزیابی آثار هنری، به هنرمندان این است که در ارزش‌گذاری‌های خود علاوه بر توجه به معیارهای موجود و معتبر در زمان آفرینش اثر آن‌را توسط سنگ معیارهای معاصر ارزیابی کنند (وازاری، ۱۳۸۴). (Cheney 2016: 1161). تلاش وازاری در کتاب زندگی هنرمندان، در سه مورد است اول هنرهای عملی هنرمندان را به مخاطبین آموزش دهد. دوم لذت حاصل از مشاهده این هنرها را بیان دارد و در نهایت به دستاوردهای هنرمندان ارج نهد. وازاری یکی از برجسته‌ترین نقاشان و هنرمندان دوره رنسانس می‌باشد که با ذهن مبتکر خود، مفاهیم خود از هنر را به تصویر کشید. او معتقد بود که هنر در سه مرحله تکاملی متمایز دخیل است که مراحل رشد انسان (تولد، رشد و مرگ) را منعکس می‌کند لذا هنر از ابتدا تا زمان به اوج رسیدن در حال تکامل است و در روند رشد افراد، در مواردی که دخیل هستند مهارت‌هایشان افزایش می‌یابد. این دیدگاه از حیث اینکه دارای کمبودهایی است نقد شده است، زیرا در آن هنرمندان دوره اولیه نمی‌توانند به میزان قابل توجهی تکامل پیدا کنند. وازاری معتقد بود که میکلا آنژ از ابتدا دارای برتری بوده است و این احتمال را نمیداد که در اوایل آثارش دارای کمبودهایی بوده و با ادامه راه به رسمیت شناخته شده است. از طرفی فهم هنر یک موضوع ذهنی و شخصی است لذا ممکن است هنرمندان متفاوت در مراحل مختلف هنر را عالی در نظر بگیرند.

وازاری در بحث هنرهای عملی به معماری و ساخت و ساز و شرح سرمنشا مصالح می‌پردازد که در آن هنرمند مصالح مورد استفاده‌اش را انتخاب می‌نماید و در ادامه اجزای دیگر بنا (طاق، درها، پنجره‌ها و...) برای شکل‌گیری آن مورد بحث قرار می‌دهد (Cheney, 2016: 1162). از این‌رو با بررسی شایستگی‌های معماری به عنوان شکل هنری، درصد ارتقاء جایگاه هنرمندان از بنا به خالق ساختمان‌های زیبا بود. از نظر وازاری در ساختار معماری، هنرمند پیرو قوانین خاصی است که با ذات اشیا و فرم‌ها مرتبط است و برای خلق فرم عالی و بنای زیبا، معمار باید به قضاوت آن‌ها بپردازد و توانایی انتخاب بهترین فرمت را داشته باشد. همانطور که ویتروویوس نیز اشاره نموده است، اجزای منفرد در معماری با هم یک ترکیب کامل را تشکیل می‌دهند که به مانند ساختار بدن انسان است. کتاب معماری ویتروویوس از قدیمی‌ترین کتب معماری است. در مقدمه آن بیان شده که بر مبنای مجموعه‌ای از کتاب‌های یونانی نوشته شده است. ویتروویوس معماری را به دو بخش تئوری و عملی تقسیم کرده است. مجموعه‌ی دانش‌های حقوق، نجوم، اقلیم، موسیقی، تناسب زیبایی و ... در کنار توان عملی برای اجرای آن‌ها مورد نیاز معمار است. همچنین تقسیم‌بندی ساختار و ساختمان، زیبایی و معنا را نیز بیان می‌کند. ویتروویوس معتقد است که بخش معنایی ساختمان در معماری بسیار مهم است زیرا دارای ماندگاری می‌باشد و تزئینات بیانگر معنا و دلایل ساخت ساختمان‌ها هستند. در نهایت ویتروویوس مفهوم معماری را مبتنی بر زیبایی، عملکرد و ایستایی می‌داند. از نظر او تناسب الهی در انسان طلایی است که معیار زیبایی در معماری می‌باشد. روابط هندسی بین اجزا و نسبت‌های آن‌ها برای دستیابی به زیبایی در معماری مدنظر ویتروویوس است که جورجیو وازاری نیز آن را قبول دارد.

آلبرتی هدف معماری را خدمت به بشریت توصیف می‌کند (Alberici, 1988). او عملکرد ویتروویوس را به سه نوع مختلف نیازها، فرصت‌ها، لذت تقسیم می‌نماید (Kruft, 1996). وازاری، معماری را جزء جهانی‌ترین، ضروری و مفیدترین هنرهای بشری می‌داند که نقاشی و مجسمه‌سازی برای آن استفاده می‌شوند. در معماری کیفیت‌های متفاوت مصالح با سبک‌های ساختمان و تناسب مناسب، ویژگی‌های طراحی و ساخت خوب بررسی می‌شود (Payane, 2011).

ویژگی هنر برتر و مراحل توسعه هنر از منظر وزاری

وزاری واضع دستگاه فکری و فلسفی خاصی بود. تئوری هنر او اگرچه پیچیده و متأثر از زبان مبهم، اما هشداردهنده‌ی نوافلاطونی است، اندیشه‌های نوافلاطونی و شوریدگی‌های ربانی سده ۱۶، زبان نامفهوم هنر را با نوعی تفکر عارفانه درآمیخت. مردم آن دوره همه چیز، به ویژه تاریخ هنر را، از راه مطالعه و صرفاً ذهنی و غیر علمی آموخته بودند و در همه حال لحن و رفتاری آمرانه داشتند. اما شیوه نگارش وزاری به هنر که به گفته‌ی خود او متعلق به اوج رنسانس و عصر مدرن است از فرهنگ پیشرفته‌ی عصری که در آن می‌زیست تأثیر پذیرفته و بسیار انسان‌گرایانه، مذهبی، سوداگرانه، درباری، محتشم و در عین حال سرشار از لطافت است (وازاری، ۱۳۸۴). پیشرفت گام به گام هنر امری اجتناب‌ناپذیر است و عامل رشد، در ذات و طبیعت هنر ودیعه نهاده شده است. بسیار پذیرفتنی می‌نماید که هنر، آغازی فروتنانه داشته باشد، به مرور زمان و به تدریج مراحل تکامل را بپیماید و سرانجام به اوج کمال برسد (رحیمی، ۱۳۹۷: ۴۲).

وزاری چهار ویژگی اصلی، قانون/قاعده، نظم، تناسب، طراحی و ویژگی دیگر، سبک را برای دستیابی به برتری در بیان هنری عنوان نمود. Cheney (۱۹۶۱: ۲۰) این اصول را برای معماری به کاربرده است که پس از آن رسیدن به زیبایی به معنای لذت و ضرورت آورده است. که در جدول ۲ توضیحات آن آورده شده است.

جدول ۲- ویژگی‌های اصلی هنر و معماری برتر از دیدگاه وزاری (یافته‌های پژوهش حاضر)

ویژگی‌های اصلی هنر برتر		
تکنیکی برای ایجاد پروژه‌های جدیدتر بر اساس روش‌های مورد استفاده در اندازه‌گیری و ساخت بناهای باستانی (قدیمی) است.	قانون/قاعده	Rule
نشان‌دهنده تمایزات ایجاد شده بین انواع مختلف سبک‌های معماری است، به طوریکه هر طرح با قسمت‌هایی که برای آن سبک مناسب است، سازگار است.	نظم	Order
نشان‌دهنده ترکیب درست درجوانب هر طرح است.	تناسب	Proportion
ارائه زیباترین جنبه‌های طبیعت است که هنرمند سعی می‌کند آن را در هر سطحی که مورد استفاده قرار می‌گیرد، تکرار نماید.	طراحی	design
روش‌های متمایزی که هنرمند برای تقلید از تصاویر زیبا در طبیعت به منظور اتصال بهتر قسمت‌های مختلف استفاده می‌کند تا منجر به لذت‌بخش‌تر شدن اثر هنری گردد.	سبک	Style

از طرفی وزاری برای هنرهای عملی دو مفهوم پایه در نظر می‌گیرد، مورد اول منشا خلاقیت از یک عالم کیهانی و خداوند، به عالمی کوچکتر و خرد هنرمند است. در این بحث مرتبط با معماری به اجزا تشکیل دهنده ساختمان و منشا کانی شناسی مصالح و دانش باستانی اشاره می‌کند که در پلینیوس و ویتروویوس ثبت شده است (Vasari, 1966: 33). همچنین به انواع سنگ (مرمر و آذرین...) که جزو مصالح روم باستان بودند و معادن توسکانی اشاره می‌نماید (Maclehose, etal, 1960: 129, Saunders, 2016). مورد دوم نیز شکل‌گیری هنرها را با بنیان اصلی Disegno که برتری تساوی‌گرایی را فراهم می‌کند (Varchi, 1560) و کانسپتی از خلاقیت است که از خدا سرچشمه گرفته است که "معمار الهی زمان و طبیعت" می‌نامد (Vasari, 1966: 4). به عبارتی Disegno از عقل نشأت می‌گیرد که فرم و ایده‌ای متناسب از طبیعت است. هنرمند برای ترسیم تصورات عقل، نیازمند مطالعه هنر است تا بتواند با دست آن را به تصویر کشد و دست و عقل را هماهنگ نماید و به تصورات برتر خلاقانه برسد. از طرفی وزاری خلاقیت را شامل حسن انتخاب (مشابه انتخاب مصالح برای یک ساختمان)، قضاوت (توانایی هنرمند در قضاوت در مورد کار خود)، سخت‌کوشی (ثبات در کار) و اصالت می‌داند. یک فرم معماری که به خوبی طراحی شده و متناسب است باید در بیننده حس لذت را بر انگیزد که همان کیفیت زیبایی است (نگارندگان، 2009: Cast).

hill (2006) بیان داشته که ریشه اصلی اصطلاح Disegno به معنی طراحی، از لحاظ تاریخی به Ordine Disegno برمی‌گردد که از طراحی در دوره رنسانس ایتالیا سرچشمه گرفته است. جورجیو وزاری آن را هنر برتر و مقدماتی می‌نامد که از مفاهیم اصلی آن زمان به شمار می‌آید. او را والد سه هنر معماری، مجسمه‌سازی و نقاشی می‌داند که دارای سرمنشا عقل است و دارای تناسب کل به جز، جز به جز و کل می‌باشد. به عبارتی همان بیان آشکار تصورات درونی افراد است که در ایده‌های خود به آن شکل می‌دهند (Vasari, 1960). آلبرتی (۱۹۶۷) آن را بیانگر ایده‌های جدید برای زندگی و فرایند خلاقیت موارد نو می‌داند. از نظر وزاری Disegno پایه‌ای برای بیان اولیه خلاقیت است که با به کارگیری قوانین نظم، قواعد و تناسب دنبال می‌شود. با این ویژگی‌ها، هنرمند فرم معماری را ایجاد می‌کند که بیانگر اصالت و زیبایی در آن سبک است (Cheney, 2016: 1161). با توجه به توضیحات ارائه شده Disegno شامل مفاهیم کلی ایده‌ای خلاقانه و فراتر از ظاهر اشیا است که با اهمیت دادن به آن و به‌کاربردن اصول هنر و معماری برتر از نظر وزاری می‌توان به طرح‌های برتری دست یافت. توصیه او به معماران بعد از خود برای توانایی ساختن ساختمان، آشنایی آن‌ها با متریاها و دانش مورد نیاز در خصوص قوانین معماری (طراحی، قواعد، نظم، تناسب) می‌باشد (Vasari, 1984: 533, Payne, 1999: 170).

باتوجه به توصیف وزاری در طول اولین دوره تاریخ هنر، اشکال هنری فاصله زیادی با حداعلائی که او به عنوان هدف نهایی برای همه آثار تصور می‌کرد داشتند. درحالیکه بسیاری از نقاشی‌ها و مجسمه‌ها از انسان و طبیعت خام بودند، سعی هنرمندان بر آن بود تا با استفاده از نور و سایه از نظر فضایی آن‌ها را زنده‌تر نشان دهند که این خود پیشرفتی در زمینه خلاقیت و توانایی‌های فنی و بهبود سبک‌ها بود اما هنوز ساختار بدن انسان دقیق نبود. در مرحله بعدی پیشرفت‌هایی در اصول هنر برتر از منظر وزاری و تکنیک‌های هنری صورت گرفت که در نتیجه آن جلوه‌ها طبیعی‌تر شدند و ترکیبات بیشتر بر روی موضوع اثر متمرکز بودند. هنرمندان یکی از راه‌های خلق طرح‌های برتر را تقلید واقعی تا حد امکان از طبیعت می‌دانند. از طرفی آن‌ها به پرسپکتیو بیشتر از زیبایی و لطافت توجه داشتند لذا وزاری آن‌ها را از لحاظ سبک‌شناسی خشک توصیف می‌کند. اما یکی از عوامل رشد نقاشی رئالیسم در دوران رنسانس بود. پس از آن فیگورها با استفاده از نور و سایه و رنگ واقعی‌تر نشان داده شدند. بیان این نکته خالی از لطف نیست که آثار داوینچی در آناتومی بدن انسان منجر به پیشرفت‌های مهم در هنر نقاشی فیگوراتیو گردید. در پایان مرحله دوم، هنر بصری صحیح‌تر و تسلط به شکل طبیعت‌گرایانه انجام شده بود که نشان‌دهنده استحکام سبکی بود لذا به مرحله سوم وارد شد که شامل آزادی بیشتری در به تصویر کشیدن طبیعت و زیبایی در مقیاس عالی بود. از نظر وزاری میکلا آنژ از بهترین هنرمندان مرحله سوم و نمایانگر کمال عالی هنرمند بود که مهارتش در استفاده از رنگ، تنوع شکل و بدن انسان در نقاشی و مجسمه‌سازی، باعث شهرت جهانی‌اش شد. در نظر وزاری آثار میکلا آنژ بسیار برتر از آثار یونان و روم باستان است. مراحل توسعه هنر وزاری مورد قبول همه منتقدین نیست، اما کتاب او زمینه‌ساز مورخان آینده شد و نظریات او از سال ۱۵۰۰ مورد بحث بوده است.

روش تحقیق

این پژوهش در زمره پژوهش‌های کیفی قرار می‌گیرد و از لحاظ هدف در شاخه تحقیقات کاربردی است، که به منظور پاسخ‌گویی به سوالات روش تلفیقی، توصیفی-تحلیلی برگزیده شده است. گردآوری داده‌ها با مطالعات کتابخانه‌ای، اسنادی صورت گرفته است. در گام نخست به تدوین مبانی نظری پرداخته شد و شاخص‌های هنر و معماری برتر از منظر وزاری تبیین گردید. در گام بعدی این شاخص‌ها در بنای رنسانسی طراحی شده توسط وزاری بررسی شد. در نهایت با توجه به تحلیل‌های انجام شده پیشنهادهایی در جهت استفاده از نظرات وزاری به منظور دست یافتن به معماری برتر ارائه گردید.

نمونه مورد مطالعه با نوع کاربری متفاوت از بناهای معمول رنسانس انتخاب شد. در این نمونه فارغ از نوع کاربری و مقیاس می‌توان شاخص‌های مطرح شده را مورد بررسی قرار داد. بدین منظور بنای Loggia del Pesce واقع در فلورانس ایتالیا مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفته است. این بنا دارای کاربری بازار ماهی‌فروشی است و پیکره اصلی آن loggia می‌باشد. در سال ۱۵۶۸، ابتدا در منطقه Piazza della Repubblica واقع شده بود که به دلایلی تصمیم به جابجایی آن گرفته شد. تا سال ۱۸۸۵ دست نخورده باقی ماند و در طرح نوسازی شهری، این loggia برجیده شد. سپس در سال ۱۹۵۵، در نزدیکی Santa Croce واقع در Piazza dei Ciompi، بازسازی شد. این بنا رنسانسی از ساختمان‌های تاریخی فلورانس ایتالیا به شمار می‌آید که توسط جورجیو وازاری طراحی شد. ابتدا دارای ۷ دهانه بود و بین سال‌های ۱۶۰۹-۱۶۹۹، به ۹ دهانه گسترش یافت که توسط ستون‌های توسکانی پشتیبانی می‌شوند. از ویژگی‌های خاص loggia در طرح‌های وازاری، حفظ ارتباط آن با محیط اطراف است که بدین طریق چشم اندازه‌های مختلفی را در اختیار استفاده‌کنندگان قرار می‌دهد. با توجه به تغییر مکان این بنا، امروزه در زمان‌هایی از سال از آن به عنوان محلی برای نشستن استفاده می‌شود تا افراد دور هم جمع شوند و مفهوم وحدت و عدالت طلبی را در کنار استفاده از محیط طبیعی و فرهنگی ایجاد شده، دارد.

تحلیل یافته‌ها

پیکره اصلی این بنا loggia می‌باشد که سازه‌ای است مانند یک گالری روباز که با طاق پوشیده شده است و توسط پایه‌هایی نگه داشته می‌شود. ورود به Loggia del Pesce از همه جهات امکان‌پذیر است. از ویژگی‌های دیگر این بنا می‌توان به الگوهای تکرار شونده در دهانه‌ها و تقارن زیبای ایجاد شده (شکل ۱) و طاق‌هایی که به شکل نیم دایره طراحی شده است اشاره نمود که همگی از ویژگی‌های معماری رنسانس به شمار می‌آید.



شکل ۱- الگوی تکرار شونده دهانه‌ها و تقارن بنا (Rossi, 2017). نشان‌دهنده (Order, Proportion, Design, Beauty, Style).

در این بنا که به سبک رنسانسی طراحی شده است، ستون‌ها به سبک توسکانی اجرا شده‌اند و با وجود تمایزاتی که در هر یک وجود دارد در کنار هم سازگاری و هماهنگی را ایجاد نموده‌اند. در عین حالی که به طراحی ستون، سرستون‌ها، طاق‌ها و پیشانی‌ها توجه شده است، ویژگی‌های طراحی دوران کلاسیک و اصول ویتروویوس (ایستایی، زیبایی، کارایی) را هم در نظر گرفته است.

تناسبات به کار رفته در این بنا از تناسبات طلایی دوران باستان پیروی می‌کند و وازاری با رعایت تناسبات طلایی در جوانب طرح توانسته زیبایی را در این سبک طراحی، به نمایش بگذارد.

وازاری در آن زمان از تکنیک پرسپکتیو برای اندازه‌گیری و ساخت بنا استفاده نموده است. به عبارتی با رعایت پرسپکتیو وحدتی از زمان و مکان را برای استفاده‌کنندگان ایجاد کرده است. به نوعی با کمک آن جزئیات را در این بنا به یکدیگر پیوند داده است تا یک کل واحد ایجاد نماید. به عبارتی با رعایت قواعد پرسپکتیو، علاوه بر ایجاد حس پرسپکتیو فضایی منجر به یکپارچگی دید می‌شود که بیننده با امتداد خطوط به آن خواهد رسید (شکل ۲). به طور کلی با پرسپکتیو، قادر به تهیه نقشه‌های فنی و مقاطع دقیق بودند (البته از این مورد اطلاعاتی در دست نیست). پرسپکتیو دارای نظامی است که با نظام عالم هماهنگ است.



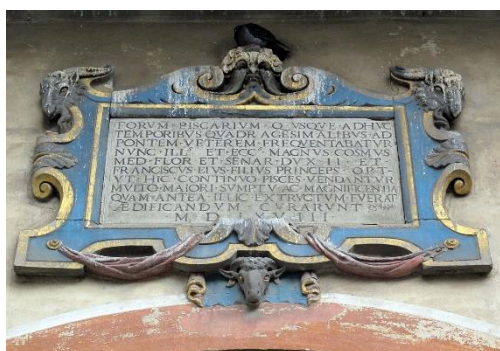
شکل ۲- ایجاد حس پرسپکتیو فضایی و یکپارچگی دید (Rossi, 2017), نشان‌دهنده Rule.

وازاری در این طرح جنبه‌های طبیعت را دیده و به تقلید از آن پرداخته است. این تقلید در تمامی جوانب طرح دیده می‌شود. او با ایجاد چشم‌اندازهای متفاوت با طبیعت و محیط اطراف ارتباط برقرار کرده است. از طرفی با الهام از طبیعت، تصویر گونه‌های مختلف ماهی را در قاب‌های مدور یک شکل به صورت هماهنگ تکرار کرده است. این تصاویر در پشت‌بغل (لچکی) واقع شده‌اند و نشان‌دهنده عملکرد بنا هستند (شکل ۳).



شکل ۳- تصویر گونه‌های ماهی (Sailko, 2013a) و (Rossi, 2017), نشان‌دهنده Design+Style.

هم‌چنین ۴ نشان در چهار گوشه و نشانی در مرکز آن قرار دارد و لوح وقفی باقی‌مانده در مرکز آن، تاریخ و عملکرد بنا را مشخص می‌کند و از آنجایی که این بنا به حمایت خانواده مدیچی ساخته شد لذا نشان‌هایی برای یادآوری آن‌ها نیز وجود دارد. این بنا در وجه عمومی و کاربردی بازار ماهی بوده است و در وجه مدنی و سیاسی آن به حمایت خانواده مدیچی اشاره دارد. به همین دلیل وزاری در تزئینات آن این دو مهم را نشان داده است (شکل ۴، ۵).



شکل ۵- لوح وقفی باقی‌مانده (Sailko, 2013c).



شکل ۴- نشان‌ها بنا (Sailko, 2013b).

بنابراین او با طراحی این ساختار، معماری ایده آلی را خلق کرد که طراحی، تناسب، قواعد، نظم، سبک و زیبایی را شامل می‌شود و پنداره‌های خود را به بهترین شکل به نمایش گذاشته است. به عبارتی وزاری با طراحی این بنا به خوبی، Disegno را به تصویر کشیده است به طوری که با بکارگیری اصول معماری برتر، فرمی را ایجاد کرد که اصالت و زیبایی در آن سبک را بیان می‌دارد و خود پایه‌ای برای خلاقیت است. لذا می‌توان این بنا را نمونه‌ای از معماری و هنر برتر دانست که تمام ویژگی‌های مطرح شده در جدول ۲ را دارا می‌باشد.

نتیجه‌گیری

از جمله دوره‌های مهم تاریخ هنر و معماری، که انسان در آن دارای اهمیت می‌باشد می‌توان دوره رنسانس را نام برد. پرسپکتیو از تکنیک‌های مهمی است که در این دوره به کار رفته است. وزاری یکی از برجسته‌ترین هنرمندان دوره رنسانس است که کتابی تحت عنوان شرح زندگی بزرگترین نقاشان، مجسمه‌سازان و معماران را تالیف نمود. این کتاب از اصلی‌ترین منابع تاریخ هنر به شمار می‌آید و وزاری به نوعی مبتکر نگارش تاریخ هنر در جهان است. در این کتاب علاوه بر نگارش زندگینامه هنرمندان به منظور حفظ شهرت، بهترین هنرمندان و سبک‌ها را متمایز نموده است.

وازاری نظریه‌هایی در رابطه با مراحل توسعه هنر و دست یافتن به هنر و معماری برتر دارد. در نظریه مراحل توسعه هنر به طبیعت اهمیت ویژه‌ای داده است و رسیدن به هنر عالی را در تسلط به طبیعت، الهام و تقلید از آن می‌داند. به طوری که هنرمند با مهارت‌های خودش بتواند طبیعت و زیبایی حاصل از آن را به تصویر بکشد. از نظر او برای رسیدن به این مرحله، داشتن دانش از اصول معماری برتر که شامل طراحی، قواعد، نظم، تناسب، سبک و زیبایی می‌شود، دارای اهمیت است.

شناخت متریاال مورد استفاده و دانش‌های وابسته به آن برای خلق ایده‌های نو نیاز است. Disegno جزئی از ویژگی‌های معماری برتر به حساب می‌آید و با مفاهیم کلی ایده‌های خلاقانه و فراتر از ظاهر اشیا هم‌خوان است. هم‌چنین برای داشتن خلاقیت در طرح از نظر وزاری نیاز به سخت‌کوشی و قضاوت در کنار حسن انتخاب هنرمند می‌باشد تا بتوان حس لذت را برانگیخت. لذا برای رسیدن به معماری برتر نیاز به مجموعه‌ای از این موارد در کنار هم می‌باشد. همانطور که وزاری برای ارزیابی هنر، علاوه بر معیارهای موجود به معیارهای زمان آفرینش اثر هم توجه می‌کند لذا در دوران معاصر نیز برای ارزیابی و خلق ایده‌های نو نیاز است که علم روز را هم در نظر بگیریم. از گذشته توجه به طبیعت دارای اهمیت بوده است و معماری همواره از نظم، تعادل و تقارن موجود در طبیعت الهام گرفته است. لذا امروزه الگوبرداری از طبیعت، استفاده از فرم‌های پایدار و فراکتالی مورد توجه است. بنابراین برای طراحی معماری عالی از منظر وزاری در دنیای معاصر نیاز است ابتدا به طبیعت توجه ویژه شود. سپس بر اساس زمان و مکان طراحی صورت گیرد و در کنار آن از اصول معماری وزاری در طرح‌ها غافل نماند. طبیعت به نوعی این اصول را در خود جای داده‌است. از آنجایی که معماری سامان‌دهنده فضاهاست و از هندسه برای انتظام حرکت نیروهای سازه‌ای کمک می‌گیرد. لذا با استفاده از پرسپکتیو که دارای نظامی هماهنگ با نظام طبیعی و عالم است، در کنار خلاقیت و دانش می‌توان به معماری برتر دست یافت تا حس لذت را در بیننده ایجاد نماید.

مراجع

۱. بانی مسعود، امیر. (۱۳۴۶). معماری غرب از عهد باستان تا مکتب شیکاگو، انتشارات خاک، تهران.
 ۲. بهرو، حبیب. طاهری‌پله‌رود، بهروز. (۱۳۹۴). تفکر شکل‌گیری دوره رنسانس و اثرات آن بر معماری، سومین کنگره بین‌المللی عمران، معماری و توسعه شهری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
 ۳. بوک، اگوست. (۱۳۸۱). اومانیسیم در دوره رنسانس، ترجمه محمدحسن لطفی، کتاب ماه ادبیات و فلسفه.
 ۴. جهانی‌نسب، احمد. (۱۳۹۶). نقش رنسانس بر تاریخ اروپا و پیامدهای آن. ماهنامه پژوهش ملل، دوره دوم، شماره ۲۳، ۱-۱۶.
 ۵. رحمتی، حسینعلی. (۱۳۸۸). دکارت و نردبان معکوس هم‌سخنی‌های فلسفه دکارت و اومانیسیم رنسانس، فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه قم، سال یازدهم، شماره اول، ۲۶۱-۲۸۶.
 ۶. رحیمی پردنجانی، حنیف. (۱۳۹۷). دو نگرش به تاریخ هنر: مطالعه تطبیقی فلسفه تاریخ هنر قاضی احمد قمی و جورجو وزاری در «گلستان هنر» و «زندگی هنرمندان». مطالعات تطبیقی هنر، ۸(۱۶)، ۳۳-۴۷.
 ۷. کردوغانی، مهدی. سلمانی، علی. (۱۳۹۸). دو روایت از تکوین مفهوم هنرهای زیبا: ارزیابی مجدد روایت کریستلر، فصلنامه علمی پژوهش‌های فلسفی، سال ۱۳، شماره ۲۹، ۳۶۴-۳۸۸.
 ۸. کوریک، جیمز آ. (۱۳۹۸). رنسانس. ترجمه آریتا یاسانی. تهران: انتشارات ققنوس.
 ۹. موسوی اقدم، کیوان. (۱۳۹۶). بررسی و نقد کتاب مبانی تاریخ هنر. فصلنامه نقد کتاب هنر. دوره ۴، شماره ۱۶ و ۱۶، ۱۶۸-۱۴۹.
 ۱۰. وزاری، جورجیو. (۱۳۸۴). زندگی هنرمندان، مترجم: علی‌اصغر قره‌باغی، تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.
11. Alberti, L.B., (1967). "De Pictura(1435)"; translated by Spencer, J. R., "On Painting: Revised Edition", Yale Univesity Press, New Haven.
 12. Alberti, L.B., (1988). "De re aedificatoria(1452)"; translated by Rykwert, J. , "On the Art of Building in Ten Books", MIT Press, Cambridge.
 13. Averlino (Filarete) A., (1965). "Trattato d'architettura (1461-63)"; "Treatise on Architecture", translated by J. R., Spencer, 2 vols. Yale University Press.
 14. Cast, D. (2009). The delight of art: Giorgio Vasari and the traditions of humanist discourse. University Park, PA: Pennsylvania State University Press.
 15. Cennini C., (1965). "Il libro dell'arte (1400)"; translated by Thompson D. V. "The Craftsman's Handbook", Dover Publications, New York.
 16. Cheney, G. (2016). Giorgio Vasari and Mannerist Architecture : A Marriage of Beauty and Function in Urban Spaces. Journal of Literature and Art Studies, 1159-1180.
 17. Faroughi ,A.; Faroughi ,R., (2012). DESIGN RE-THINKING: FROM ITALIAN RENAISSANCE TO STRATEGIC DESIGN ARCHITECTURE, Proceedings of DESIGN 2012, the 12th International Design Conference, Dubrovnik, Croatia, Sociotechnical issues in design, p1967-1976.
 18. Hill, J., (2006) , "Immaterial Architecture", Routledge Chapman & Hall, Abingdon.
 19. Krufft, H.-W., (1994). "A History of Architectural Theory: From Vitruvius to the Present", Princeton Architectural Press, New York.
 20. Maclehose, L. S., & Brown, B. (Eds. & Trans.). (1960). Vasari on technique. New York: Dover Publications,, p. 129
 21. Payne (1999), The Architectural Treatise in the Italian Renaissance, Cambridge: Cambridge University Press. pp. 170-213.
 22. Payne, A. (2011). The Architectural Treatise in the Italian Renaissance: Architectural Invention, Ornament, and Literary Culture, pp. 182-206.
 23. Pirro,D. (2013). Loggia del Pesce. Retrieved from <https://www.theflorentine.net/2013/05/09/loggia-del-pesce>
 24. Rossi, I. (2017). Loggia del Pesce. Retrieved from <https://www.targetti.com/en/Projects/loggia-del-pesce>.
 25. Sailko. (2013a). Loggia del pesce in p. dei ciompi, tondo Retrieved from https://it.wikipedia.org/wiki/Loggia_del_Pesce#/media/File:Loggia_del_pesce_in_p._dei_ciompi,_tondo_13.JPG
 26. Sailko. (2013b). Loggia del pesce in p. dei ciompi, stemma sulla fiancata. Retrieved from https://it.wikipedia.org/wiki/Loggia_del_Pesce#/media/File:Loggia_del_pesce_in_p._dei_ciompi,_stemma_sulla_fiancata_01.JPG
 27. Sailko. (2013c). Loggia del pesce in p. dei ciompi, iscrizione centrale. Retrieved from https://it.wikipedia.org/wiki/File:Loggia_del_pesce_in_p._dei_ciompi,_iscrizione_centrale.JPG

28. Saunders, Peter Fane (2016), Pliny the Elder and the Emergence of Renaissance Architecture, Cambridge University Press.
29. Tatarkiewicz, W., (2005). "History of aesthetics", Continuum International Publishing Group, London.
30. Tuchkov, I. (2016). Giorgio Vasari and the Architecture of Cinquecento: The End of the Renaissance. Actual Problems of Theory and History of Art: Collection of articles, Vol. 6, 395-406.
31. Varchi, B. (1560). Due Lezioni di Benedetto Varchi: l'una d'amore, &l'altra della gelosia Con alcune utili & dilettevoli quistioni, da lui nuove aggiunte (Two lessons of Benedetto Varchi: One on love and the other on jealousy. With some of his added helpful and delightful questions). Lyon: Gugliaume Roville.
32. Vasari, G., (1966) Le vite de' piii eccellenti pittori, scultori e architettori, eds. R. Bettarini and P. Barocchi, Florence, , v1.
33. Vasari, G., (1984) Le vite de' piii eccellenti pittori, scultori e architettori, eds. R. Bettarini and P. Barocchi, Florence, , Vite 5: 533.
34. Vasari, G., (1960). "Le vite dei più eccellenti architetti, pittori et scultori italiani (1568)"; translated by Brown, B. B. et al, Dover Publications, New York.
35. Vasari, G., (2011). "Vasari On Technique"; translated by Louisa, S. Maclehorse., , Dover Publications, New York.
36. Vasoli, C., (2000). "The Renaissance Concept of Philosophy", in: C. B. Schmitt(ed.), The Cambridge History of Renaissance Philosophy, UK: Cambridge University Press.